

نگاهی به ابعاد شخصیت تقریبی آیت الله العظمی میلانی
در گفت و گو با آیت الله مبلخی

مؤسس پایگاه نوین تقریب در مشهد



نوایان | نام آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی، تنها با یک جایگاه فقهی یا مرجعیتی تعریف نمی شود؛ او یکی از معدود مراجع شیعه در قرن معاصر است که «تقریب مذاهب اسلامی» رانه در حد شعار، بلکه به عنوان یک پروژه فکری، اجتماعی و امت محور دنبال کرد. در این گفت و گو، آیت الله احمد مبلخی، از چهره های تفصیلی، آیت الله المللی حوزه تقریب، رئیس اسبق دانشگاه مذاهب اسلامی و عضو مجلس خبرگان رهبری، با نگاهی تحلیلی به ابعاد کمتر گفته شده شخصیت آیت الله العظمی میلانی می پردازد؛ شخصیتی که توانست «ولایت» را با «تقریب» جمع کند و از دل این جمع کردن، الگویی واقع گرایانه برای زیست اجتماعی شیعه در جهان اسلام بسازد. این گفت و گو از یک پرسش بنیادین آغاز می شود؛ پرسشی که سال هاست در فضای دینی و فکری وجود دارد و مورد توجه است: چگونه می توان از یک سو بر ولایت به عنوان هسته مرکزی اندیشه شیعی تأکید داشت و از سوی دیگر، به تقریب مذاهب اسلامی باورمند بود؟ آیت الله مبلخی با رد این دوگانه سازی، بر این نکته تأکید می کند که در منظومه فکری آیت الله العظمی میلانی، تقریب نه در تعارض با ولایت، بلکه برخاسته از آن است. از منظر او، ولایت در معنای اصیل خود، پیوندی ناگسستنی با سرنوشت امت اسلامی دارد و نمی تواند خود را به مرزهای مذهبی محدود کند. بر اساس این تحلیل، تقریب در نگاه آیت الله العظمی میلانی به هیچ وجه به معنای چشم پوشی از عقاید مذهبی نیست، بلکه ناظر به نزدیک سازی اجتماعی میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی است؛ نزدیک سازی ای که به زعم او، ظرف تحقق جامعه اسلامی به شمار می آید. از همین روست که آیت الله مبلخی، آیت الله العظمی میلانی را نه تنها یک مرجع تقلید، بلکه یک اندیشه ساز در حوزه امت گرایی می داند. یکی از نقاط کانونی این گفت و گو، تبیین

چرایی تمایز آیت الله العظمی میلانی از دیگر فقهای هم عصر اوست؛ فقهایی که هرچند در حوزه ولایت فعال بودند، اما به میدان تقریب ورود مؤثر و ماندگار نداشتند. آیت الله مبلخی، ریشه این تمایز را در شخصیت اجتماعی، توان بالای تشکیلات سازی و قدرت مدیریت فکری آیت الله العظمی میلانی جست و جو می کند. به باور او، کسی که ذهنی اجتماعی ندارد، اساساً به سمت ساختن نهاد و سازمان حرکت نمی کند؛ حال آن که تشکیلات مرجعیتی و تبلیغی آیت الله العظمی میلانی، در زمان خود از حیث توجه به ساختار سازمانی کم نظیر بود. هجرت آیت الله العظمی میلانی از نجف به مشهد در سال ۱۳۳۳ شمسی، نقطه عطفی در تاریخ حوزه های علمیه ایران به شمار می آید. مشهد، با حضور او، از یک مرکز علمی مهم به یکی از سه قطب اصلی علمی در جهان تشیع ارتقا یافت. اما

این مسیر، بدون چالش نبود. فضای مذهبی مشهد، به سادگی پذیرای اندیشه تقریب نمی شد و حتی برخی از شاگردان نزدیک آیت الله العظمی میلانی هم با این رویکرد همدل نبودند. با این همه، آنچه مخالفان را نیز در مدار احترام و ارادت نگه می داشت، «هژمونی علمی» و «اخلاق عملی» آیت الله العظمی میلانی بود. در بخش دیگری از گفت و گو،

آیت الله مبلخی به تشریح جنس تقریب نزد آیت الله العظمی میلانی می پردازد؛ تقریبی که نه تشریفاتی و سیاسی، بلکه ترکیبی از اخلاق، کلام و فقه بود. نمونه برجسته این رویکرد، دیدار او با رئیس وقت دانشگاه الازهر است؛ دیداری که در آن،

به جای جدل مذهبی، بر اخلاق اسلامی و صیانت از عقاید مشترک امت تأکید شد. همین نگاه، در مواضع ایشان نسبت به مسئله فلسطین و مواجهه با صهیونیسم نیز، به وضوح دیده می شود؛ جایی که آیت الله العظمی میلانی، دفاع از سرزمین اسلامی را ذیل مفهوم ایمان تحلیل می کند. گفت و گو در نهایت به این پرسش می رسد که چرا پس از رحلت آیت الله العظمی میلانی، جریان تقریب در مشهد استمرار نیافت؟ پاسخ، واقع گرایانه و بدون اغراق این است که فقدان آموزش مدون، شخص محور بودن تقریب و ظهور پدیده ای که آیت الله مبلخی از آن با عنوان «تقیه تقریبی» یاد می کند، در این امر مؤثر بوده است. با این حال، او باور دارد که میراث تقریبی آیت الله العظمی میلانی، هرگز از میان نرفته و امروز، بازخوانی و تبیین آن، ضرورتی انکارناپذیر برای حوزه علمیه و جهان اسلام است.

■ **تقریب در سپهر اندیشه آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی جایگاهی ممتاز و ویژه دارد. ایشان پس از رحلت آیت الله العظمی بروجردی، شاید دومین مرجع تقلیدی بود که در چنین سطح و گستره ای به موضوع تقریب ورود پیدا کرد. از سوی دیگر، آیت الله العظمی میلانی بر مسئله «ولایت» تأکیدی ویژه دارد و حتی این مسئله در آثار انتشار یافته از ایشان، کاملاً مشهود است. برخی معتقدند که این دو با یکدیگر سازگار نیست و نمی توان آنها را با هم جمع کرد. نظر شما چیست؟**

نکته بسیار ظریف و دقیقی است. اگر بخواهیم

در اندیشه آیت الله العظمی میلانی، ولایت و تقریب دو ساحت متعارض نیستند. ولایت، اگر به معنای حقیقی خود فهم شود، ناظر به سامان بخشی کل امت اسلامی است و از همین جاست که تقریب به عنوان یک ضرورت دینی و اجتماعی زاده می شود؛ ضرورتی که نه به قیمت رها کردن مبانی شیعی، بلکه با پابندی آگاهانه به آن ها تحقق می یابد